

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# آیات موضوعی

( پیرامون نماز، وضو، غسل، تیمم )

تهیه و تنظیم :

کارشناس حفظ و آموزش قرآن

در سایت انجمن گفتگوی دینی و قرآنی (خاتم)

|    |   |
|----|---|
| 4  | مقدمه .....                                 |
| 5  | بخش اول : نماز.....                         |
| 5  | موضوع اول : وجوب نماز .....                 |
| 6  | موضوع دوم : اوقات نمازهای پنج گانه .....    |
| 8  | موضوع سوم: نماز جماعت .....                 |
| 9  | موضوع چهارم : نماز مسافر .....              |
| 11 | موضوع پنجم : نماز جمعه .....                |
| 13 | موضوع ششم : نماز میت .....                  |
| 14 | موضوع هفتم : نماز شب .....                  |
| 16 | موضوع هشتم : ارکان نماز ( رکوع و سجده)..... |
| 17 | موضوع نهم : فوائد نماز .....                |
| 20 | بخش دوم : وضو .....                         |
| 23 | بخش سوم : غسل .....                         |
| 25 | بخش چهارم : تیمم .....                      |
| 28 | منابع .....                                 |

## مقدمه

خداوند متعال را سپاس گزارم که توفیق خدمت‌گزاری به بندگان صالح را به بنده عنایت کرد و بار دیگر به عنایت پروردگار توانستم کاری قرآنی انجام بدهم.

در این جزوه، در رابطه با چهار موضوع ( نماز، وضو، غسل، تیمم ) آیاتی انتخاب شده است.

در این جزوه این نکات مد نظر قرار گرفته است:

1. ابتدا با توجه به موضوع مورد نظر قسمتی از آیه که مرتبط با آن است، بیان شده و سپس آیه به صورت کامل ارائه شده است.
  2. ترجمه آیه بعد از بیان آن، مطرح و سعی شده است که ترجمه ساده و روان باشد. لازم بذکر است که در این جزوه، از ترجمه حضرت آیه الله مکارم شیرازی استفاده شده است.
  3. به بیان آیه و ترجمه، اکتفا نشده و تلاش بر این بوده که با توضیح مختصری از تفاسیر، معنای کلی آیه روشن تر گردد.
- با توجه به این نکات، این جزوه برای حفظ موضوعی مناسب است.

# بخش اول : نماز

## موضوع اول : وجوب نماز

آیه 103 سوره نساء (آخر آیه )  
« إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا »

ترجمه : « همانا نماز، وظیفه ثابت و معینی برای مؤمنان است ».

\_ آیه 103 سوره نساء ( به صورت کامل )  
« فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ  
إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا »

ترجمه : « و هنگامی که نماز را به پایان رساندید، خدا را یاد کنید؛ ایستاده، و نشسته، و در حالی که به پهلو خوابیده اید. و هرگاه آرامش یافتید (و حالت ترس زایل گشت)، نماز را (بطور معمول) انجام دهید. زیرا نماز، وظیفه ثابت و معینی برای مؤمنان است ».

## نکات پیرامون این آیه :

**نکته اول :** " إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا " کتابت کنایه است از واجب بودن و واجب کردن، می فرماید: نماز بر مؤمنین نوشته و واجبی است دارای وقت نظیر آیه شریفه: " كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ " (موسوی همدانی، 1374، ج 5، ص 100 )

**نکته دوم :** نماز بر هر فرد مسلمان فریضه و واجب عینی است. (مدیر شانه چی، 1386، ص 19 )

## موضوع دوم : اوقات نمازهای پنج گانه

آیه اول : آیه 78 سوره اسراء

«أَقِمِ الصَّلَاةَ لِلدُّوْكَ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا»

ترجمه : « نماز را از زوال خورشید [هنگام ظهر] تا نهایت تاریکی شب [نیمه شب] برپا دار؛ و همچنین قرآن فجر [نماز صبح] را، چرا که قرآن فجر، مشهود (فرشتگان شب و روز) است.»

نکات پیرامون این آیه :

**نکته اول :** در این آیه وقت پنج نماز به اجمال بیان شده است : نماز ظهر که وقت آن آغاز زوال است و عصر و مغرب و عشاء که وقت فضیلت عشاء تاریکی شب است که از آن، به غسق اللیل تعبیر شده است و قرآن الفجر اشاره به نماز صبح است. (مدیر شانه چی، 1386، ص 22)

**نکته دوم :** در روایتی که از منابع اهل بیت (علیهم السلام) به ما رسیده «دلوک» به معنای زوال خورشید تفسیر شده است. در روایتی از امام صادق علیه السلام می خوانیم : «عبید بن زراره» از تفسیر این آیه سؤال کرد، امام صادق سلام الله علیه فرمود : «خداوند چهار نماز بر مسلمانان واجب کرده است که آغاز آن وقت زوال شمس (ظهر) و پایان آن نیمه شب است.» (مکارم شیرازی، 1371، ج 12، ص 221)

در روایت دیگری از امام باقر علیه السلام در تفسیر همین آیه هنگامی که «زراره» محدث بزرگ شیعه از آن سؤال کرد، چنین فرمود : «دلوک شمس به معنای زوال آن (از دایره نصف النهار) است و غسق الیل به معنی نیمه شب است، این چهار نماز است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن ها را برای مردم قرار داد و توقیت نمود و قرآن الفجر، اشاره به نماز صبح است.» (مکارم شیرازی، 1371، ج 12، ص 222)

## آیه دوم : ابتدای آیه 114 سوره هود

«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلْفًا مِّنَ اللَّيْلِ»

ترجمه: « در دو طرف روز، و اوایل شب، نماز را برپا دار ».

\_ آیه 114 سوره هود ( به صورت کامل )

« وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلْفًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ »

ترجمه : « در دو طرف روز، و اوایل شب، نماز را برپا دار؛ چرا که حسنات، سیئات (و آثار آنها) را از بین می برند؛ این تذکری است برای کسانی که اهل تذکرند ».

### نکته پیرامون این آیه :

ظاهر تعبیر « طَرَفَيِ النَّهَارِ » (دو طرف روز) این است که، نماز صبح و مغرب را بیان می کند که در دو طرف روز قرار گرفته ( آغاز و پایان روز) و « زُلْف » جمع کلمه « زلفه » به معنی نزدیکی است، به قسمت های آغاز شب که نزدیک روز است گفته می شود، بنابراین بر نماز عشاء منطبق می گردد. همین تفسیر، در روایات ائمه اهل بیت ( علیهم السلام ) نیز وارد شده، که آیه فوق اشاره به سه نماز ( صبح، مغرب و عشاء ) است. (مکارم شیرازی، 1371، ج 9، ص 265)

## موضوع سوم: نماز جماعت

آیه 43 سوره بقره ( آخر آیه )

« وَارْكَعُوا مَعَ الرَّائِعِينَ »

ترجمه: « و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید ».

\_ آیه 43 سوره بقره (به صورت کامل)

« وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّائِعِينَ »

ترجمه: « و نماز را بر پا دارید، و زکات را پردازید، و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید (و نماز را با جماعت بگذارید) ».

### نکات پیرامون این آیه:

**نکته اول:** عبارت « وَارْكَعُوا مَعَ الرَّائِعِينَ » اشاره به نماز جماعت است. همچنان که در برخی از تفاسیر به این مطلب اشاره شده است. (طیب، 1369، ج 2، ص 16) (مکارم شیرازی، 1371، ج 1، ص 209) (طبرسی، مجمع البیان، س 1372، ج 1، ص 214)

**نکته دوم:** با اینکه دستور اخیر ( وَارْكَعُوا مَعَ الرَّائِعِينَ ) اشاره به مساله نماز جماعت است، ولی از میان تمام افعال نماز تنها " رکوع " را بیان کرده و می فرماید: " با رکوع کنندگان رکوع کنید " این تعبیر شاید به خاطر آن باشد که نماز یهود مطلقاً دارای رکوع نبود، این نماز مسلمانان است که یکی از ارکان اصلی آن، رکوع محسوب می شود. (مکارم شیرازی، 1371، ج 1، ص 209)



## موضوع چهارم : نماز مسافر

آیه 101 سوره نساء (ابتدای آیه )

« وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ »

ترجمه : « هنگامی که سفر می کنید، گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید .»

\_ آیه 101 سوره نساء ( به صورت کامل )

« وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا »

ترجمه : « هنگامی که سفر می کنید، گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید اگر از فتنه ( و خطر) کافران بترسید؛ زیرا کافران، برای شما دشمن آشکاری هستند .»

نکات پیرامون این آیه :

**نکته اول :** منظور از ضرب فی الارض سفر است؛ یعنی هر گاه مسافرت کردید. (طبرسی، جوامع الجامع، 1412 ه.ق، ج 1، ص 283)

**نکته دوم :** ابتدای این آیه اشاره به قصر و کوتاه شدن نماز در سفر دارد. هم چنان که در روایات به این مطلب اشاره شده است.

مانند این روایت : زراره و محمد بن مسلم گویند: به امام باقر (علیه السلام) عرض کردیم: در باره نماز در سفر چه می گوئید؟ چگونه است و چند رکعت باید خواند؟

فرمود: خداوند متعال می فرماید: «وَ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ» از این رو قصر واجب شده است. همانطوری که در حضر باید نماز را تمام خواند. ( طبرسی، مجمع البیان، 1372، ج 3، ص 154)

**نکته سوم:** ظاهر آیه این است که نماز قصر، تنها در موقع ترس، مشروع است. لکن ما از بیان پیامبر ( و هم چنین روایات دیگر معصومین ) استفاده می کنیم که در موقعی که خوفی هم نباشد، مسافر باید نماز را قصر بخواند.

ممکن است ذکر «خوف» در آیه بخاطر این باشد که اغلب سفرها- مخصوصاً در گذشته- با خوف و خطر توأم بوده است نظیر این مطلب، که قیدی بمناسبت غالب بودن مورد آن در کلام اضافه شده باشد، بسیار است. (طبرسی، مجمع البیان، 1372، ج3، ص 154)

**نکته چهارم:** لازم به ذکر است که شخص مسافر با یک سری شرایط، نماز او شکسته می شود. به این معنا که نمازهای چهار رکعتی تبدیل به نماز دو رکعتی می شود. بنابراین نماز ظهر و عصر و عشاء در سفر دو رکعت و نماز صبح دو رکعت و نماز مغرب سه رکعت می باشد. برای اطلاع بیشتر به توضیح المسائل مراجعه نمایید.

## موضوع پنجم : نماز جمعه

آیه 9 سوره جمعه ( ابتدای آیه )

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ »

ترجمه : « ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته شود، به سوی ذکر خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید. »

\_ آیه 9 سوره جمعه ( به صورت کامل )

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ »

ترجمه : « ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته شود، به سوی ذکر خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید که این برای شما بهتر است اگر می دانستید. »

### نکات پیرامون این آیه :

**نکته اول :** این آیه به اتفاق ( اهل سنت و شیعه ) دلیل بر وجوب نماز جمعه است. ( بروجردی، 1366، ج 7، ص 144 )

**نکته دوم :** این آیه با توجه عبارت « فاسعوا إلى ذکر الله » بر وجوب نماز جمعه دلالت دارد. « فاسعوا » صیغه امر است و ظهور در وجوب دارد. (مدیر شانه چی، 1386، ص 52)

**نکته سوم :** " نُودِيَ " از ماده " نداء " به معنی بانگ برآوردن است، و در اینجا به معنی اذان است، زیرا در اسلام ندایی برای نماز جز اذان نداریم. ( مکارم شیرازی، 1371، ج 24، ص 126 )

**نکته چهارم :** منظور از " ذِكْرِ اللَّهِ " در درجه اول نماز ( جمعه ) است، ولی می دانیم که خطبه های نماز جمعه هم که آمیخته با ذکر خدا است، در حقیقت بخشی از نماز جمعه است. ( مکارم شیرازی، 1371، ج 24، ص 127 )

**نکته پنجم:** لازم بذکر است که نماز جمعه دو رکعت است و دو خطبه قبل از نماز جمعه، توسط امام جمعه ایراد می گردد. برای توضیحات بیشتر در رابطه با احکام نماز جمعه می توانید به توضیح المسائل مرجع تقلید خود مراجعه نمایید.

## موضوع ششم : نماز میّت

آیه 84 سوره توبه ( ابتدای آیه )

« وَكَأ تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِّنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا »

ترجمه : « هرگز بر مرده هیچ یک از آنان نماز نخوان ».

این آیه خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است.

\_ آیه 84 سوره توبه ( به صورت کامل )

« وَكَأ تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِّنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَكَأ تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ »

ترجمه : « هرگز بر مرده هیچ یک از آنان، نماز نخوان، و بر کنار قبرش، (برای دعا و طلب آمرزش،) نایست.

چرا که آنها به خدا و رسولش کافر شدند؛ و در حالی که فاسق بودند از دنیا رفتند ».

### نکات پیرامون این آیه :

**نکته اول :** مراد از صلاة در « لا تصل علی أحد منهم » نماز میّت است و مراد از قیام بر قبر، قیام برای دعا کردن بر مردگان و طلب آمرزش برای آنان است. (مدیر شانه چی، 1386، ص 54)

**نکته دوم :** از این آیه معلوم می شود که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر جنازه مسلمانان نماز می خواند و بر سر قبر آنها می ایستاد و دعا می کرد، اما از این عمل در حق منافقان نهی شد. کلمه «ابدا» نشان می دهد که پیامبر اصلا چنین کاری نکند، علت این نهی همان کفر و مرگ در حال خروج از ایمان است. (قرشی بنایی، 1375، ج 4، ص 285)

**نکته سوم :** نماز میّت، باید بعد از غسل و حنوط ( کافور زدن ) و کفن کردن میّت خوانده شود. نماز میّت پنج تکبیر دارد و بعد از هر تکبیر، عباراتی بیان می شود. برای اطلاع بیشتر از شرایط نماز میّت، می توانید به توضیح المسائل مراجعه نمایید.

## موضوع هفتم : نماز شب

آیه 79 سوره اسراء ( ابتدای آیه )

« وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ »

ترجمه : « و پاسی از شب را (از خواب برخیز، و) قرآن (و نماز) بخوان ».

آیه 79 سوره اسراء ( به صورت کامل )

« وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا »

ترجمه : « و پاسی از شب را (از خواب برخیز، و) قرآن (و نماز) بخوان. این یک وظیفه اضافی برای توست؛ امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد ».

### نکات مربوط به این آیه:

**نکته اول :** کلمه " تهجد " از ماده " هجد " است که در اصل به معنای خواب است، و تهجد به طوری که بسیاری از اهل لغت گفته اند به معنای بیداری بعد از خواب است. (موسوی همدانی، 1374، ج 13، ص 241)

**نکته دوم :** مفسران معروف اسلامی این تعبیر ( وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ ) را اشاره به نافله شب که در فضیلت آن روایات بی شماری وارد شده است دانسته اند، هر چند آیه صراحت در این مساله ندارد ولی با قرائن مختلفی که در دست است این تفسیر روشن به نظر می رسد. ( مکارم شیرازی، 1371، ج 12، ص 224 )

**نکته سوم :** نماز شب از نمازهای بسیار با فضیلت است. در روایات بیش از 30 فضیلت برای نماز شب برشمرده شده است که به برخی از فضایل آن اشاره می شود:

تمام انبیا نماز شب داشتند.

نماز شب، رمز سلامتی بدن و روشنایی قبر است.

نماز شب، در اخلاق، رزق، برطرف شدن اندوه، ادای دین و نورچشم مؤثر است.

نماز شب، گناه روز را محو می کند و نور قیامت است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: شرف مؤمن، نماز شب است و عزّتش، آزار واذیت نکردن مردم. (قرائتی، 1388، ج 5، ص 104 و 105)

**نکته چهارم:** سه چیز بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله واجب بود و بر دیگران مستحب: نماز شب، مسواک و سحرخیزی (قرائتی، 1388، ج 5، ص 105)

**نکته پنجم:** نماز شب، نمازی مستحبی است که بسیار بر آن تأکید شده است. این نماز یازده رکعت می باشد و وقت فضیلت آن از نیمه شب تا سحر می باشد. برای اطلاع بیشتر در رابطه با این نماز، می توانید به کتاب مفاتیح الجنان و توضیح المسائل مراجعه کنید.

## موضوع هشتم : ارکان نماز ( رکوع و سجده)

آیه 77 سوره حج

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا »

ترجمه : « ای کسانی که ایمان آورده اید، رکوع کنید و سجود بجا آورید ».

\_ آیه 77 سوره حج ( به صورت کامل )

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ »

ترجمه : « ای کسانی که ایمان آورده اید، رکوع کنید و سجود بجا آورید، و پروردگارتان را عبادت کنید، و کار نیک انجام دهید، شاید رستگار شوید ».

### نکات پیرامون این آیه:

**نکته اول :** بیان دو رکن رکوع و سجود از میان تمام ارکان نماز به خاطر اهمیت فوق العاده آنها در این عبادت بزرگ است. ( مکارم شیرازی، 1371، ج 14، ص 181 )

**نکته دوم :** امر به رکوع و سجود در این آیه امر به نماز است و مقتضای اینکه رکوع و سجود را در مقابل عبادت قرار داده این است که مراد از جمله " اعْبُدُوا رَبَّكُمْ " امر به سایر عبادات تشریح شده در دین به غیر نماز باشد مانند حج و روزه. باقی می ماند جمله آخری که فرمود: " وَافْعَلُوا الْخَيْرَ " که مراد از آن سایر احکام و قوانین تشریح شده در دین خواهد بود، چون در عمل کردن به آن قوانین خیر جامعه و سعادت افراد و حیات ایشان است. ( موسوی همدانی، 1374، ج 14، ص 581 )

\_ به نظر می آید: منظور از « ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا » نماز است و از « وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ » کارهای عبادی است مانند حج و روزه و وضو و غیره و منظور از « وَافْعَلُوا الْخَيْرَ » مطلق کارهای مفید می باشد، مانند نوافل، صلّه ارحام، دستگیری فقراء و سائر کارهای مفید و مستحب. چنان که ارباب تفاسیر فرموده اند. معلوم است که اینها اسباب فلاح و رستگاری هستند « لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ » (قرشی بنابی، 1375، ج 7، ص 90 )



## موضوع نهم : فوائد نماز

( فائده اول : یاد خدا )

آیه 14 سوره طه

« وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدِكْرِي »

ترجمه : « و نماز را برای یاد من بپادار ».

اصل آیه 14 سوره طه ( به صورت کامل )

« إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي »

ترجمه : « من الله هستم؛ معبودی جز من نیست؛ مرا پرست، و نماز را برای یاد من بپادار ».

### نکات پیرامون این آیه:

**نکته اول :** در این آیه پس از بیان مهمترین اصل دعوت انبیاء که مساله توحید است موضوع عبادت خداوند یگانه به عنوان یک ثمره برای درخت ایمان و توحید بیان شده، و به دنبال آن دستور به نماز، یعنی بزرگترین عبادت و مهمترین پیوند خلق با خالق و مؤثرترین راه برای فراموش نکردن ذات پاک او داده شده است. ( مکارم شیرازی، 1371، ج 13، ص 169)

**نکته دوم :** اصولاً روح همه عبادات - چه نماز و چه غیر آن - ذکر خدا است، اقوال نماز، افعال نماز، مقدمات نماز، تعقیبات نماز، همه و همه در واقع، یاد خدا را در دل انسان زنده می کنند. در این آیه، اشاره به این فلسفه اساسی نماز شده و خداوند خطاب به حضرت موسی می گوید: **أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي**: " نماز را بر پا دار تا به یاد من باشی. ( مکارم شیرازی، 1371، ج 16، ص 288 )

**نکته سوم:** اصولاً یاد خدا، مایه حیات قلوب و آرامش دلها است، و هیچ چیز به پایه آن نمی رسد: **أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛** "آگاه باشید یاد خدا مایه اطمینان دلها است" [سوره رعد آیه 28]. (مکارم شیرازی، 1371، ج 16، ص 287)

**نکته چهارم:** اثرات یاد خدا:

یاد نعمت‌های او، رمز معرفت و شکر اوست.

یاد قدرت بی پایان او، رمز توکل به اوست.

یاد علم و آگاهی او، رمز حیا و تقوای ماست.

یاد الطاف او، رمز محبت به اوست.

یاد عدالت او، رمز خوف از اوست.

یاد امدادهای او، رمز امید و رجاست. (قرائتی، 1388، ج 1، ص 234)

## ( فائده دوم: بازدارندگی از ارتکاب زشتی ها و بدی ها )

آیه 45 سوره عنکبوت

« إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ »

ترجمه : « نماز (انسان را) از زشتی ها و گناه باز می دارد. ».

\_ آیه 45 سوره عنکبوت ( به صورت کامل )

« أَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ »

ترجمه : « آنچه را از کتاب (آسمانی) به تو وحی شده تلاوت کن، و نماز را برپا دار، که نماز (انسان را) از زشتی ها و گناه باز می دارد، و یاد خدا بزرگتر است؛ و خداوند می داند شما چه کارهایی انجام می دهید. ».

### نکات پیرامون این آیه:

**نکته اول:** به نظر می رسد کلمه " فحشاء " اشاره به گناهان پنهانی و کلمه " منکر " اشاره به گناهان آشکار دارد. ( مکارم شیرازی، 1371، ج 11، ص 370)

**نکته دوم:** بازداری از گناه اثر طبیعی نماز است، چون نماز توجه خاصی است از بنده به سوی خدای سبحان، لیکن این اثر تنها به مقدار اقتضاء است، نه علیت تامه، تا تخلف نپذیرد، و نماز گزار دیگر نتواند گناه کند، بلکه اثرش به مقدار اقتضاء است، یعنی اگر مانع و یا مزاحمی در بین نباشد اثر خود را می بخشد، و نماز گزار را از فحشاء باز می دارد، ولی اگر مانعی و یا مزاحمی جلو اثر آن را گرفت، دیگر اثر نمی کند، و در نتیجه نماز گزار آن کاری که انتظارش را از او ندارند می کند، خلاصه یاد خدا، و موانعی که از اثر او جلو می گیرند، مانند دو کفه ترازو هستند، هر وقت کفه یاد خدا چربید، نماز گزار گناه نمی کند، و هر جا کفه آن موانع چربید کفه یاد خدا ضعیف می شود، و نماز گزار از حقیقت یاد خدا منصرف می گردد، و گناه را مرتکب می شود. (موسوی همدانی، 1374، ج 16، ص 201)

## بخش دوم : وضو

### موضوع : حکم وضو در قرآن

آیه 6 سوره مائده ( ابتدای آیه )

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ »

ترجمه : « ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که به نماز می‌ایستید، صورت و دستها را تا آرنج بشوید و سر و پاها را تا مفصل [برآمدگی پشت پا] مسح کنید ».

\_ آیه 6 سوره مائده ( به صورت کامل )

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ »

ترجمه : « ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که به نماز می‌ایستید، صورت و دستها را تا آرنج بشوید و سر و پاها را تا مفصل [برآمدگی پشت پا] مسح کنید و اگر جنب باشید، خود را بشوید (و غسل کنید) و اگر بیمار یا مسافر باشید، یا یکی از شما از محل پستی آمده [قضای حاجت کرده]، یا با آنان تماس گرفته (و آمیزش جنسی کرده‌اید)، و آب (برای غسل یا وضو) نیابید، با خاک پاکی تیمم کنید و از آن، بر صورت [پیشانی] و دستها بکشید! خداوند نمی‌خواهد مشکلی برای شما ایجاد کند؛ بلکه می‌خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام نماید؛ شاید شکر او را بجا آورید ».

## نکات پیرامون این آیه:

**نکته اول:** این آیه اشاره به حکم وضو، غسل و تیمم دارد که ما در این جا فقط حکم وضو را مطرح می کنیم.

**نکته دوم:** در آیه حدود صورت، که باید در وضو شسته شود توضیح داده نشده ولی در روایات ائمه اهل بیت علیهم السلام وضوی پیامبر صلی الله و علیه و آله و سلم را مشروحا بیان کرده اند.

1. حد صورت از طرف طول از رستانگاه مو تا چانه و از طرف عرض آنچه در میان انگشت وسط و ابهام (انگشت شست) قرار می گیرد، ذکر شده و این درحقیقت توضیح همان معنایی است که از کلمه "وجه" در عرف فهمیده می شود، زیرا وجه همان قسمتی است که انسان به هنگام برخورد بر دیگری با آن "مواجه" می شود.

2. حد دست که باید در وضو شسته شود، "تا آرنج" ذکر شده، زیرا مرافق جمع "مرفق" به معنی "آرنج" است، و چون هنگامی که گفته شود دست را بشوئید ممکن است به ذهن چنین برسد که دستها را تا میج بشوئید، زیرا غالباً این مقدار شسته میشود، برای رفع این توهم می فرماید: تا آرنج بشوئید. (إِلَى الْمِرْفَقِ)

3. کلمه "ب" که در "بِرؤُسِكُمْ" می باشد طبق صریح بعضی از روایات و تصریح بعضی از اهل لغت به معنی "تبعیض" می باشد، یعنی "قسمتی" از سر را مسح کنید که در روایات ما محل آن به یک چهارم پیش سر، محدود شده و باید قسمتی از این یک چهارم هر چند کم باشد با دست مسح کرد.

4. قرار گرفتن "ارجلکم" در کنار "رؤوسکم" گواه بر این است که پاها نیز باید مسح شود نه اینکه آن را بشویند. (مکارم شیرازی، 1371، ج 4، ص 286 و 287)

**نکته سوم:** کعب در لغت بمعنی برآمدگی پشت پاها و هم بمعنی مفصل یعنی نقطه ای که استخوان ساق پا با استخوان کف پا مربوط می شود، آمده است. (مکارم شیرازی، 1371، ج 4، ص 287)

**نکته چهارم:** کلمه "الی" در آیه فوق تنها برای بیان حد شستن است نه کیفیت شستن، که بعضی توهم کرده اند و چنین پنداشته اند که آیه می گوید: باید دستها را از سر انگشتان به طرف آرنج بشوئید. توضیح اینکه این درست به آن می ماند که انسان به کارگری سفارش می کند دیوار اطاق را از کف تا یک متر، رنگ کند، بدیهی است منظور این نیست که دیوار از پائین به بالا رنگ شود، بلکه منظور این است که این مقدار باید رنگ شود نه بیشتر و نه کمتر.

بنابر این فقط مقداری از دست که باید شسته شود در آیه ذکر شده، و اما کیفیت آن در سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که بوسیله اهل بیت به ما رسیده است آمده است و آن شستن آرنج است به طرف سر انگشتان. (مکارم شیرازی، 1371، ج4، ص 286 و 287)

# بخش سوم : غسل

## موضوع : غسل جنابت

آیه 6 سوره مائده

« وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا »

ترجمه : « و اگر جنب باشید، خود را بشویید (و غسل کنید) ».

\_ آیه 6 سوره مائده ( به صورت کامل )

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهَّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ »

ترجمه : « ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که به نماز می‌ایستید، صورت و دستها را تا آرنج بشویید و سر و پاها را تا مفصل [برآمدگی پشت پا] مسح کنید و اگر جنب باشید، خود را بشویید (و غسل کنید) و اگر بیمار یا مسافر باشید، یا یکی از شما از محل پستی آمده [قضای حاجت کرده]، یا با آنان تماس گرفته (و آمیزش جنسی کرده‌اید)، و آب (برای غسل یا وضو) نیابید، با خاک پاکی تیمم کنید و از آن، بر صورت [پیشانی] و دستها بکشید! خداوند نمی‌خواهد مشکلی برای شما ایجاد کند؛ بلکه می‌خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام نماید؛ شاید شکر او را بجا آورید ».

نکات پیرامون این آیه:

نکته اول : کلمه " جنب " مصدری است که بمعنی " اسم فاعل " آمده، و در اصل بمعنی " دور شونده " است زیرا

ریشه اصلی آن که "جنابت" بمعنی "بعد" و دوری است، و اگر شخص "جنب" به این عنوان نامیده می شود بخاطر آن است که باید در آن حال، از نماز و توقف در مسجد و مانند آن دوری کند، و این کلمه (جنب) هم بر مفرد، هم بر جمع و هم بر مذکر و هم بر مؤنث اطلاق می شود (مکارم شیرازی، 1371، ج4، ص 288)

**نکته دوم:** روشن است که مراد از جمله "فاطهروا" شستن تمام بدن می باشد، زیرا اگر شستن عضو خاصی لازم بود می بایست نام آن برده شود، بنا بر این هنگامی که می گوید خود را شستشو دهید، مفهومش شستشوی تمام بدن است، نظیر این در سوره نساء آیه 43 نیز آمده است که می گوید: حَتَّى تَغْتَسِلُوا (مکارم شیرازی، 1371، ج4، ص 288)

**نکته سوم:** قرآن می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید، چون خواستید نماز بخوانید صورت و دست‌های خود را بشوئید، و سر و پای خود را مسح کنید البته این در صورتی است که جنب نبوده باشید، و اما اگر جنب بودید باید طهارت کسب کنید.

در نتیجه از آن استفاده می شود که تشریح وضو تنها مخصوص حالتی است که انسان جنب نباشد، و اما در صورت جنابت فقط باید غسل کند هم چنان که اخبار نیز بر همین معنا دلالت دارند. و این حکم عینا در سوره نساء نیز بیان شده، در آنجا آمده: "وَلَا جُنْبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا"، بنا بر این آیه مورد بحث یک نکته اضافی دارد و آن این است که در این آیه غسل را تطهر (خویشتن را پاک کردن) نامیده است. (موسوی همدانی، 1374، ج5، ص 366)

\_\_ لازم به ذکر است که آیه 43 سوره نساء هم به بحث غسل جنابت اشاره کرده است.

آیه 43 سوره نساء: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنْبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا غَفُورًا »

ترجمه: « ای کسانی که ایمان آورده اید، در حال مستی به نماز نزدیک نشوید، تا بدانید چه می گوئید و همچنین هنگامی که جنب هستید- مگر اینکه مسافر باشید- تا غسل کنید. و اگر بیمارید، یا مسافر، و یا قضای حاجت کرده اید، و یا با زنان آمیزش جنسی داشته اید، و در این حال، آب (برای وضو یا غسل) نیافتید، با خاک پاکی تیمم کنید (به این طریق که) صورتها و دستهایتان را با آن مسح نمایید. خداوند، بخشنده و آمرزنده است.»



# بخش چهارم : تیمم

## موضوع : حکم تیمم در قرآن

آیه 6 سوره مائده

« وَإِنْ كُنْتُمْ مَرُضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ »

ترجمه : « و اگر بیمار یا مسافر باشید، یا یکی از شما از محل پستی آمده [قضای حاجت کرده]، یا با آنان تماس گرفته (و آمیزش جنسی کرده‌اید)، و آب (برای غسل یا وضو) نیابید، با خاک پاکی تیمم کنید و از آن، بر صورت [پیشانی] و دستها بکشید ».

\_ آیه 6 سوره مائده ( به صورت کامل )

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرُضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ »

ترجمه : « ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که به نماز می‌ایستید، صورت و دستها را تا آرنج بشوید و سر و پاها را تا مفصل [برآمدگی پشت پا] مسح کنید و اگر جنب باشید، خود را بشوید (و غسل کنید) و اگر بیمار یا مسافر باشید، یا یکی از شما از محل پستی آمده [قضای حاجت کرده]، یا با آنان تماس گرفته (و آمیزش جنسی کرده‌اید)، و آب (برای غسل یا وضو) نیابید، با خاک پاکی تیمم کنید و از آن، بر صورت [پیشانی] و

دستها بکشید. خداوند نمی‌خواهد مشکلی برای شما ایجاد کند؛ بلکه می‌خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام نماید؛ شاید شکر او را بجا آورید.»

### نکات پیرامون این آیه:

**نکته اول:** مراد از مرض در کلمه " مرضی " آن بیماری هایی است که انسان مبتلای به آن، نمی‌تواند آب استعمال کند، به این معنا که استعمال آب برای او یا حرجی دارد یا مایه ضرر است. (محمد باقر موسوی همدانی، 1374، ج 5، ص 367)

**نکته دوم:** جمله: " أَوْ عَلَى سَفَرٍ " شق دیگری است، و شقی است جدای از شق قبلی و از شق بعدی، و معنی جمله چنین است: چون خواستید نماز بخوانید و در سفر بودید و آب نیافتید پس تیمم کنید. (موسوی همدانی، 1374، ج 5، ص 368)

**نکته سوم:** جمله: " أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ " شق دیگری است مستقل از شق قبلی و معنی جمله این است: چون خواستید به نماز بایستید، و یکی از شما قبلاً از غائط آمده بود ( قضای حاجت کرده بود )، و آبی نیافتید که وضو بگیرید تیمم کنید (موسوی همدانی، 1374، ج 5، ص 368 و 369)

**نکته چهارم:** جمله: " أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ "، مثل جمله قبلیش شقی دیگر از شقوق فرض شده است، و این جمله تعبیری است کنایه ای که منظور از آن عمل جماع است، و به منظور رعایت ادب، جماع را لمس زنان خوانده است. (موسوی همدانی، 1374، ج 5، ص 370)

بنابر این مساله نبودن آب کنایه است از اینکه انسان نتواند آب را استعمال کند، حال یا به خاطر اینکه آب ندارد، و یا آب برایش ضرر دارد، و یا وقت برای غسل و وضو ندارد، و اگر از همه این موارد تعبیر کرد به اینکه آب نیابد، برای این بود که غالب مواردی که انسان قدرت بر وضو و غسل ندارد موردی است که آب پیدا نمی‌کند. (موسوی همدانی، 1374، ج 5، ص 367)

\_\_ لازم به ذکر است که آیه 43 سوره نساء هم به بحث تیمم اشاره کرده است.

آیه 43 سوره نساء : « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا غَفُورًا »

ترجمه : « ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در حال مستی به نماز نزدیک نشوید، تا بدانید چه می‌گویید و همچنین هنگامی که جنب هستید- مگر اینکه مسافر باشید- تا غسل کنید. و اگر بیمارید، یا مسافر، و یا قضای حاجت کرده‌اید، و یا با زنان آمیزش جنسی داشته‌اید، و در این حال، آب (برای وضو یا غسل) نیافتید، با خاک پاکی تیمم کنید (به این طریق که) صورتها و دستهایتان را با آن مسح نمایید. خداوند، بخشنده و آمرزنده است.»

## منابع :

1. بروجردي، محمدابراهيم، تفسير جامع، 7جلد، كتابخانه صدر - ايران - تهران، چاپ 6، 1366 ه.ش.
2. طباطبائي، محمدحسين، ترجمه تفسير الميزان، 20جلد، جامعه مدرسين حوزه علميه قم، دفتر انتشارات اسلامي - ايران - قم، چاپ 5، 1374 ه.ش.
3. طبرسي، فضل بن حسن، تفسير جوامع الجامع، 4جلد، حوزه علميه قم، مركز مديريت - ايران - قم، چاپ 1، 1412 ه.ق.
4. طبرسي، فضل بن حسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، 10جلد، ناصر خسرو - ايران - تهران، چاپ 3، 1372 ه.ش.
5. طيب، عبدالحسين، اطيّب البيان في تفسير القرآن، 14جلد، اسلام - ايران - تهران، چاپ 2، 1369 ه.ش.
6. قرائتي، محسن، تفسير نور، 10جلد، مركز فرهنگي درسيهاي از قرآن - ايران - تهران، چاپ 1، 1388 ه.ش.
7. قرشي بنابي، علي اكبر، تفسير احسن الحديث، 12جلد، بنياد بعثت، مركز چاپ و نشر - ايران - تهران، چاپ 2، 1375 ه.ش.
8. مدير شانه چي، كاظم، آيات الاحكام، سمت - ايران - تهران، چاپ 7، تابستان 1386 ه.ش.
9. مكارم شيرازي، ناصر، تفسير نمونه، 28جلد، دار الكتب الإسلامية - ايران - تهران، چاپ 10، 1371 ه.ش.
10. مكارم شيرازي، ناصر، دفتر مطالعات تاريخ و معارف اسلامي، ايران - قم، چاپ 2، 1373 ه.ش.